



حکمای اسلامی



دکتر سید مصطفی محقق داماد

آن شیء در ذهن ما وجودی دیگر پیدا می‌کند و علت اینکه پس از پیدایش صورت یک شیء معین در ذهن، ما التفات به خارج پیدا می‌کنیم و گویی ذهن ما همچون آئینه‌ای می‌گردد که خارج را برای ما منکشف می‌سازد این است که در ذهن ما وجودی متحقق گردیده که ماهیت و چیستی آن موجود همان ماهیت و چیستی موجود خارجی است و تفاوت میان آندو نحوه وجود است) مثلاً وقتی ما قطعه سنگی را تصور می‌کنیم در ذهن ما واقعاً قطعه سنگی وجود می‌یابد که از نظر ذات و ماهیت با قطعه سنگی که در بیرون است تفاوتی ندارد، و تفاوت آنها در نحوه وجود است که یکی ذهنی است و دیگری خارجی.

منظور از ماهیت در فلسفه اسلامی ذات و طبیعت شیء است، که در پاسخ حقیقت آن واقع می‌گردد. مثلاً وقتی از حقیقت پرویز سؤال شود که او چیست؟ در پاسخ گفته خواهد شد او انسان است، بنابراین چیستی و ماهیت او انسان است.

بنظر صدرا آنچه در خارج متحقق می‌گردد و اصالت دارد وجود است و اگر گفته می‌شود که هر ممکنی مرکب است از ماهیت و وجود چنین نیست که دو واقعیت در خارج متحقق باشد، اصالت تنها از آن وجود است و دیگری امری اعتباری و ذهنی است و مراد از ترکیب در ممکنات، ترکیب در ذهن است نه در خارج، یعنی ذهن انسان موجود در خارج را می‌تواند تصور کند و چیستی و هستی او را از یکدیگر ممتاز نماید.

در مسئله وجود ذهنی سخن این است که درست است که تنها بوسیله وجود، ماهیات اشیاء، تحقق می‌یابند ولی همانطور که با وجود خارجی، اشیاء در خارج ظهور و

در این مقاله به سیر تاریخی این نظریه در فلسفه اسلامی اشاره و سپس دلایل اثباتی آن مطرح می‌گردد و بنحو اجمال تفاوت این نظریه با نظریه «فنونولوژیستها» در فلسفه معاصر پرداخته می‌شود.

مسئله وجود ذهنی از مسائلی است که در فلسفه یونان باستان و حتی در دوره‌های اولیه فلسفه اسلامی بصورت یک مسئله مستقل و جامع‌الاطراف مطرح نبوده و بعدها در دامان فلسفه اسلامی رشد و نمو کرده است فلاسفه اروپا بنحو دیگری وارد بحث شده‌اند، بیشترین محور بحث آنان در مورد واقع‌نمایی و بتعبیر دیگر ارزش معلومات است و همانطور که می‌دانیم بعضی به نفی ارزش واقع‌نمایی علم یعنی نوعی ایده‌آلیسم رسیده‌اند.

بنظر حکمای اسلامی ارتباطی که میان ما و دنیای خارج از ذهن ما برقرار است تنها بوسیله علم به اشیائی است که آن اشیاء اگر چه خارج از ذهن ما و اختیار ما است اما نزد ما حضور ذهنی دارند و به این حضور ذهنی که در اختیار ما است وجود علمی اشیاء می‌گوییم و از همین رهگذر برای اشیاء دو نحوه وجود قائل شده‌اند، یکی وجود خارجی که مستقل از ذهن است و دیگری وجود وابسته به ذهن و یا وجود نزد ذهن که آنرا وجود ذهنی اصطلاح کرده‌اند.

(البته ناگفته نماند در مقابل حکمای اسلامی گروهی از متکلمین (اشاعره) چنین وجودی را اعتراف نکرده‌اند. آنان معتقدند علم تنها اضافه‌ای میان ذهن و خارج است، نه آنکه با علم وجودی در ذهن متحقق گردد، ولی نظری که در حکمت اسلامی بعنوان نظر معتبر شناخته شده همان است که وقتی ما به چیزی علم پیدا می‌کنیم ذات و ماهیت